



## تحولات جمعیتی کیش و چیستی و چرایی آن

### تحولات جمعیتی کیش و چیستی و چرایی آن (۱۳۲۸ - ۱۳۷۸ شمسی)

عبدالرضا کلمرزی<sup>۱</sup>، علیرضا محسنی ابوالخیری<sup>۲</sup>

#### چکیده

جزیره کیش در درازای تاریخ همواره یکی از مراکز اصلی صید مروارید و دارای موقعیت ارتباطی و طبیعی خاص در خلیج فارس بوده است؛ لذا پرداختن به تحولات آن در مطالعات خلیج فارس ضروری به نظر می‌رسد. این در حالی است که منابع محدودی از تحولات این جزیره در اختیار مورخ قرار دارند. یکی از منابعی که در مورد تحولات این جزیره وجود دارد مشاهدات احمد فرامرزی در روزنامه خاور از جزیره کیش است. در گزارش فرامرزی از این جزیره در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۲۸ شمسی نوسان شدید جمعیتی این جزیره به چشم می‌خورد. این پژوهش بر آن است تا با بررسی مشاهدات فرامرزی از این جزیره به روشی توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر اسناد دیگر به جز روزنامه خاور، به این سؤال پاسخ دهد که «سبب اصلی نوسان جمعیتی جزیره کیش در این مدت پنجاه ساله چه بوده است؟» فرضیه پژوهش حاضر از این قرار است: نوسان جمعیتی جزیره کیش حاصل عوامل نامطلوبی بود که در این زمان در سواحل، بنادر و جزایر ایران در خلیج فارس ساری و جاری بود.

**واژگان کلیدی:** خلیج فارس، جزیره کیش، نوسانات جمعیتی، احمد فرامرزی، روزنامه خاور.

۱- نویسنده مسئول، کارشناس ارشد تاریخ- مطالعات خلیج فارس دانشگاه تهران، A.kalmozi@ut.ac.ir

۲- کارشناس ارشد تاریخ- مطالعات خلیج فارس دانشگاه تهران، Alireza.mohseni390@gmail.com

## مقدمه

منطقه خلیج فارس یکی از مناطق دنیاست که تحرک جمعیتی در دو سوی آن بسیار بالا بوده است. مهاجرت اقوام در تاریخ خلیج فارس بسیار به چشم می‌خورد. مهاجرت اقوام تا قبل از وقوع انقلاب مشروطیت و اواخر قاجار عموماً مهاجرت از ساحل جنوبی به ساحل شمالی خلیج فارس بوده است. لیکن از این زمان به بعد این روند تغییر کرد و مهاجرت شمال به جنوب در تاریخ خلیج فارس ظاهر شد. مهاجرت نوع دوم مناسبات تجاری خلیج فارس را نیز برهم زد. به عبارت دیگر، جابه‌جایی جمعیت در حقیقت جابه‌جایی سرمایه و نیروی اقتصادی از ساحل شمالی خلیج فارس به ساحل جنوبی آن بود.

مهاجرت شمال به جنوب در این زمان جمعیت زیادی را از ساحل شمالی به ساحل جنوبی خلیج فارس کشاند. یکی از این مکان‌های ساحل شمالی خلیج فارس که در جریان مهاجرت شمال به جنوب جمعیت زیادی از خود را از دست داد، جزیره مهم کیش بود. این جزیره از آن جایی که دارای قابلیت‌های ارتباطی و اقتصادی خاصی از گذشته تا زمان حاضر است، بررسی مسائل آن اهمیت خاصی برای ایران دارد. آب شیرین و کافی، خاک حاصلخیز، مغاصی صید مروراید از جمله قابلیت‌های این جزیره است؛ اما با این وجود، در دوران معاصر و به‌ویژه اواخر قاجار و اوایل پهلوی ساکنین این جزیره به مانند بسیاری از سواحل و جزایر ایران، جزیره کیش را ترک و به سواحل جنوبی خلیج فارس مهاجرت کردند. شناخت دلایل اصلی این مهاجرت یکی از دغدغه‌ها و اهداف این مقاله است. شناخت دلایل مهاجرت سکنة این جزیره به ساحل جنوبی خلیج فارس می‌تواند پرده از بسیاری از مشکلات مردم این جزیره و مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خلیج فارس که این مردم با آن روبرو بوده‌اند، بردارد. دست‌یافتن به این شناخت به نوبه خود می‌تواند یک چارچوب مفهومی و یک الگوی کاربردی برای اعمال سیاست‌گذاری‌های جاری و آتی ایران در قبال جزایر و سواحل خلیج فارس فراهم کند.

برای نیل به این مقصود، ما برآنیم تا با استفاده از منابع دست اول آن دوره به‌ویژه بررسی نوشته‌های احمد فرامرزی در روزنامه خاور به این مسئله بپردازیم. نوشته‌های احمد فرامرزی به‌عنوان یک نویسنده فعال در حوزه خلیج فارس ارزش والایی دارد. قابل ذکر است که ایشان قسمت مدیدی از عمر خود را در دو ساحل خلیج فارس گذرانده است و بسیاری از تحولات سیاسی و اجتماعی خلیج فارس را به عینه نظاره‌گر بوده است.

در این نوشتار پس از بیان تاریخچه‌ای کوتاه از جزیره کیش به معرفی احمد فرامرزی و روزنامه خاور پرداخته می‌شود. در ادامه ابتدا دلایل رونق این جزیره که سبب شده بود جمعیت زیادی را در خود اسکان دهد بررسی شده و پس از آن دلایلی که منجر به مهاجرت جمعیت این جزیره به



## تحولات جمعیتی کیش و چیستی و چرایی آن

ساحل جنوبی خلیج فارس شد واکاوی می‌شود. در پایان نتیجه‌گیری و ره آورد این نوشتار آورده خواهد شد.

### تاریخچه کیش

جزیره آزاد کیش با ۹۰/۴۵۷ کیلومتر مربع مساحت (افشار سیستانی، ۱۳۷۰: ۴۳) و با فاصله ۱۹ کیلومتر از سواحل جنوبی ایران در میان آب‌های خلیج فارس قرار گرفته است و از نظر تقسیمات سیاسی تابع شهرستان بندرلنگه استان هرمزگان است (مختارپور، ۱۳۷۹: ۲). این جزیره در درازای تاریخ همواره یکی از مراکز اصلی صید مروارید و دارای موقعیت ارتباطی (رزم آرا، ۱۳۳۰: ۳۹) و طبیعی خاص در خلیج فارس بوده است. کیش یا «قیس» همان جزیره‌ای است که یک شب بازرگانی، سعدی را به خانه خویش برد و پریشان‌گویی‌اش مستوجب گله و شکایت شیخ اجل را فراهم کرد (سعدی، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

جزیره کیش پیشینه آبادانی مفصلی دارد. این جزیره بعد از خرابی بندرسیراف که پس از سلطنت عضالدوله دیلمی در جریان کشمکش‌های درون دودمانی خاندان دیلمی در پس کرانه‌های آن روی داد، جانشین بندرسیراف گردید و مبدل به مرکز تجارت خلیج فارس گردید. این جزیره به مرکز ملوک بنی قصر در جزیره کیش تبدیل گشت که بر عمان و اکثر جزایر خلیج فارس حکومت داشت و دو ثلث خراج ایالت بحرین که از بصره تا جلفار (راس‌الخیمه کنونی) امتداد داشته به انضمام عایدی جزایر فعلی بحرین به خزانه ملوک بنی قیصر وارد می‌شد. ملوک بنی قیصر به سبب موقعیت طبیعی و تجاری-ارتباطی این جزیره مکننت و تمول زیادی به هم رسانیدند که بعد از مدتی محسود ملوک و پادشاهان اطراف واقع شدند. پادشاه هرمز، سیف‌الدین و ابوبکر سعدی زندگی شهریار عادل فارس از رقیبان قدرتمند سلسله بنی قیصر کیش بودند که با همکاری هم در سال ۶۲۶ هجری این سلسله (بنی قیصر) را منقرض نمودند (وصاف‌الحضره، ۱۳۳۸: ۱۷۱) و بعد از آن این جزیره در سایه اقدامات برجسته و والای اتابک سعدی زنگی عنوان «دولت‌خانه» یافت.

به هر حال جزیره کیش به واسطه موقعیت جغرافیایی و داشتن مغاصی مروارید، بعد از آن واقعه هم رو به آبادی گذاشت و مخصوصاً بعد از ۱۲۵۸ قمری که بین شیوخ فعلی بحرین (آل خلیفه) اختلاف افتاد و جنگ درگرفت، عده زیادی از مردم بحرین که طرفدار شیخ مغلوب بودند به قیس آمدند و آنگاه به بعضی از بنادر دیگر ایران مهاجرت نمودند، بر آبادی این جزیره افزودند و مجدداً به صورت یکی از نقاط معمور و آباد خلیج فارس درآمد (روزنامه خاور، سال پنجم، شماره ۳، اول شهریور ۱۳۲۸: ۲).

تنها منابع اندکی هستند که اطلاعاتی در مورد جزیره کیش به ما می‌دهند: «فارسنامه» ابن بلخی، «آثار البلاد و اخبار العباد» زکریای قزوینی و «تاریخ و صاف» و صاف الحضرة شیرازی از این منابع کهن هستند؛ اما از دوران معاصر، منابع محدودی از تحولات این جزیره در اختیار مورخ قرار دارد. یکی از منابع موجود از تحولات کیش در دوران معاصر مشاهدات احمد فرامرزی از جزیره کیش است که در روزنامه خاور به چاپ رسیده است.

### احمد فرامرزی و جزیره کیش

احمد فرامرزی، فرزند ارشد شیخ عبدالواحد فرامرزی در ۲۴ ربیع الثانی سال ۱۳۰۶ ق/ ۱۸۸۸م در روستای گچویه، مرکز کلانتر نشین‌دهستان فرامرزان، در شمال‌غرب بندر لنگه، دیده به جهان گشود. پدر احمد، روحانی‌ای مبارز و آزادی‌خواه بود و ایستادگی وی در برابر خوانین و اشرار محلی، وی را نزد مظلومان و ستم‌دیدگان، مردی محبوب و مشهور کرده بود. شیخ عبدالواحد در محیطی نامن و پراز هرج و مرج و زورگویی به تربیت اولادش همت گماشت. شیخ عبدالواحد هم در فرامرزان و هم در بحرین، دل‌بستگی، عائله، فرزند، ملک و کرسی درس داشت (فرامرزی، ۱۳۷۸: ۵۰ و عبدالرحمن ملا، ۱۳۷۵: ۱۱) و به همین خاطر، زندگی در هر دو جا برای او و خانواده‌اش امری عادی و طبیعی بود (فرامرزی، ۱۳۷۸: ۵۰ و رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۴۰: ۷۱). خاندان فرامرزی و نیاکان آن‌ها به‌عنوان کلانتران دهستان فرامرزان در تحولات سیاسی و اجتماعی نواحی پس کرانه‌ای بندرلنگه و بندرعباس در اواخر قاجاریه و دوران پهلوی اول نقش اساسی‌ای ایفا کردند. احمد از سن ۶ تا ۱۰ سالگی در مکتب گچویه قرآن را ختم کرد (فرامرزی، ۱۳۷۸: ۵۰) و در ده سالگی - ۱۳۱۶ ق/م- به همراه پدرش به بحرین رفت و در مسیر این جابه‌جایی از جزیره کیش دیدن کرد. پس از چندی احمد فرامرزی به اتفاق خانواده‌اش از بحرین به زادگاهش روستای گچویه بازگشت لیکن به دلیل تشنج و ناامنی به واسطه وقوع انقلاب مشروطیت در ایران و مشکلات محلی و طایفه‌ای تصمیم گرفت خود را از جار و جنجال فارس دور کند و در بحرین به تربیت اولاد بپردازد؛ اما در بحرین احمد فرامرزی به همراه پدر و برادرش در مقابل سیاست‌های استعماری و ضد ایرانی انگلیس به پا خاستند این امر احمد و برادرش عبدالرحمن فرامرزی را در معرض تهدید به تبعید به جزیره سیلان یا سریلانکاری امروزی قرار داد. چرا که انگلستان در پی این بود که بحرین به‌عنوان منطقه‌ای مهم و استراتژیک از دسترس سلطه ایران به دور باشد و این گونه علاوه بر ضعیف نگه داشتن ایران بتواند شیخ نشین‌هایی وابسته به خود در ساحل جنوبی خلیج فارس به وجود بیاورد؛ لذا احمد و عبدالرحمن فرامرزی با آگاهی از این مسئله در ابتدا به یکی از شیوخ قطر و در نهایت به یکی از شیوخ روستای چاه کوتاه که چندی پیش علیه استعمار انگلستان جنگیده بودند و به شدت



## تحولات جمعیتی کیش و چیستی و چرایی آن

از انگلستان نفرت داشتند پناه بردند و پس از شش ماه به بوشهر و در نهایت در سال ۱۳۰۱ شمسی به تهران رسیدند و بعد از چندی جذب مشاغل دولتی و حکومتی شدند. احمد فرامرزی در سال ۱۳۱۱ شمسی که کارمند وزرات مالیه بود مأموریتی در جنوب یافت که از جزیره کیش نیز دیدن کرد. ایشان همچنین در سال ۱۳۲۸ شمسی که کارمند وزارت راه بود از جزیره کیش دیدن کرد که مشاهدات هر سه سال مذکور در روزنامه خاور در سال ۱۳۲۸ شمسی به چاپ رسید. روزنامه خاور یکی از چندین روزنامه و فعالیت قلمی احمد فرامرزی بود که به طور جدی و نقادانه مسائل مربوط به خلیج فارس را بررسی کرده است. این روزنامه در سال ۱۳۲۸ ش/ ۱۹۴۱ م، از شماره ۴۸ به بعد توقیف شد و از شماره ۴۹ تا شماره ۷۵ همین سال، با عنوان «صهبا» و صاحب امتیازی «نیرالملوک صدری پور» منتشر شد و پس از آن مجدداً با عنوان خاور انتشار یافت. احمد فرامرزی از نویسندگان پرکار حوزه خلیج فارس است و آثار وی پیرامون خلیج فارس از منابع مرجع محسوب می‌شوند. آشنایی وی به زبان عربی و انگلیسی، مطالعات میدانی وی در دو ساحل خلیج فارس (ارتباط مستقیم و حضوری با شیوخ بحرین، قطر و ...)، جابه‌جایی‌های مکرر و تحصیل او در دو ساحل خلیج فارس، مسئولیت در مشاغل دولتی از جمله کارمند وزرات خارجه، وزارت مالیه و دادگستری، نمایندگی مجلس شورای ملی در دوره‌های پانزدهم، هفدهم و هجدهم از شهرستان بوشهر و کار در کتابخانه مجلس شورای ملی؛ آشنایی با جغرافیای خلیج فارس، وطن پرستی و دغدغه ملی، شناخت عمیق از اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خلیج فارس باعث می‌شود که آثار وی از جایگاه والایی در مطالعات خلیج فارس برخوردار باشد. مشاهدات او پیرامون جزیره کیش برای نخستین بار در این مقاله آورده خواهد شد، مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت و دلایل نوسانات جمعیتی کیش که نکته بارز مشاهدات او از این جزیره است واکاوی خواهد شد.

### تحولات جمعیتی کیش

احمد فرامرزی در روزنامه خاور در شهریورماه ۱۳۲۸ هجری شمسی نتیجه مشاهدات خود را از جزیره کیش در سه سال متفاوت ۱۲۷۸ شمسی، ۱۳۱۱ شمسی و ۱۳۲۸ شمسی به شرح زیر آورده است:

«بنده در سن ده دوازده سالگی [سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۱۹ هجری قمری/ ۱۸۹۹ و ۱۹۰۱ م] که در خدمت پدرم به آن جا [کیش] رفتم خیلی آباد بود چنان که قصبه ماشه مرکز جزیره دارای چندین کاروان‌سرا و بازار مفصلی بود که یک راسته آن به تجار هند و اختصاص داشت و در آن موقع در حدود چهارصد قایق غواصی داشت که در اطراف جزیره به صید مروارید مشغول می‌شدند و چندین کشتی بزرگ غواصی داشت که در مغاص‌های بزرگ که بین طرفین سکنه خلیج فارس مشترک و مشاع است غواصی می‌کردند و کشتی‌های بارکشی متعدد و فراوانی داشت که به هندوستان و آفریقا و یمن و عراق عرب و ... مسافرت می‌کردند و امتعه ایران و عراق را به آن نقاط برده اجناس آن جا را به این سمت وارد می‌کردند و مایحتاج مردم را فراهم می‌ساختند و در تابستان یکی از مراکز تجارت مروارید بود که عده‌ای از تجار این صنف از بحرین و قطر و عمان و کویت برای داد و ستد مروارید به آن جا می‌آمدند و قطع دارم که در آن موقع مجموع سکنه این جزیره کمتر از ۱۵ هزار نفر نبود ولی در سال ۱۳۱۱ شمسی که مأموریتی بر آن حدود پیدا نمودم، تمام خانه‌ها و مساجد آن جا را خراب دیدم و جمعیت آن از دویست نفر تجاوز نمی‌کرد و امسال [۱۳۲۸ ش/ ۱۱۴۱ م] که باز به آن جا رفتم و تمام نقاط جزیره را دیدم در حدود ۱۸۰۰ تا دو هزار نفر جمعیت داشت ۲ زیرا بعد از حوادث شهریور [۱۳۲۰ ش/ ۱۹۴۱ م] که فشار مأمورین کمتر شده بود و مردم آزادی بیشتری به دست آوردند یک عده مراجعت کردند و هنوز هم جمع زیادی مایل به مراجعت هستند.» (روزنامه خاور، سال پنجم، شماره سوم، اول شهریورماه، ۱۳۲۸ ش، ص ۳).

بارزترین نکته در این آینه تمام نمای جزیره کیش در یک دوران پنجاه ساله، کاهش جمعیت این جزیره است. جمعیت کیش در سال ۱۲۷۸ شمسی ۱۵ هزار نفر، در سال ۱۳۱۱ شمسی حدود ۲۰۰ نفر و در سال ۱۳۲۸ شمسی حدود ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر گزارش شده است. از آن جایی که احمد فرامرزی نویسنده‌ای دقیق و آشنا به وضعیت اجتماعی خلیج فارس و شاغل در پست‌های مهم دولتی بوده است این آمار و ارقام قابل اعتماد و اعتبار خواهد بود.

در این جا سؤالی که مطرح می‌شود از این قرار است که علل و عوامل جمعیت بالای کیش چه بوده است و چه علل و عواملی سبب کاهش مورد توجه جزیره کیش در یک دوران ۵۰ ساله گردید؟ برای پاسخ به این سؤال به تفکیک مباحث به شرح زیر می‌پردازیم:

۱- از آن جایی که فرامرزی متولد ۸ دی ۱۳۶۷ هجری شمسی/ ۱۸۸۸ م است.  
۲- طبق مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی در دوره شانزدهم، یعنی سال ۱۳۲۸ جمعیت کیش در حدود ۳ هزار نفر بوده است. بنگرید به: لوح مشروح مذاکرات مجلس ۱۳۸۹ ش، دوره شانزدهم، جلد شانزدهم، جلسه ۱۰۷، ص ۱۰۷.



## تحولات جمعیتی کیش و چیستی و چرایی آن

### ۱. رونق و آبادانی جزیره کیش

این جزیره در درازای تاریخ (که شرح آن قبلاً گذشت) از مراکز تجاری خلیج فارس بوده است و هرچند افتان و خیزان، این موقعیت خود را حفظ کرده است. جمعیت کیش در سال ۱۳۷۸ شمسی در حدود ۱۵ هزار نفر جمعیت داشته است (روزنامه خاور، همان: ۳). این جزیره چه استعدادها و مزایایی داشت که توانست در طول تاریخ این موقعیت برتر خود را نسبت به دیگر جزایر حفظ کند؟ این استعدادها در دو محور الف) موقعیت طبیعی - جغرافیایی و ب) موقعیت تجاری این جزیره نهفته است.

#### الف) موقعیت طبیعی و جغرافیایی

این جزیره از روزگار قدیم به علت داشتن آب شیرین فراوان و وجود چاه‌های کم‌عمق و همچنین قنات در آن اهمیت خاصی داشته است. این مسئله باعث شده بود که این جزیره از زمین حاصلخیز و پوشش گیاهی قدرتمندی برخوردار باشد و باغ‌های فراوانی از نخل، انجیر، انگور، انار، مرکبات، کنار در آن وجود دارد (روزنامه خاور، سال پنجم، شماره سوم، اول شهریورماه، ۱۳۲۸ ش: ۳) به علت وجود آب شیرین و قرار گرفتن در حد فاصل بنادر بصره، بوشهر، بحرین و بندرعباس و بندر لنگه این جزیره لنگرگاهی مناسب برای کشتی‌هایی بود که در مسیر دریایی خلیج فارس به مقصد این بنادر تردد می‌کردند که می‌توانستند مایحتاج خود از جمله آب شیرین را از این جزیره آباد تأمین کنند.

علاوه بر این، دوری این جزیره از دو ساحل و عدم امکانات کافی حکومت‌های پس‌کرانه‌ای در لشکرکشی‌های دریایی موقعیت امن‌تری را به این جزیره می‌بخشید (وثوقی، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

#### ب) موقعیت تجاری

اولین عاملی که بر موقعیت تجاری این جزیره، تأثیر شایانی داشته است موقعیت طبیعی ممتاز آن است. قرار گرفتن جزیره کیش در سر راه کشتی‌های بادی که از کویت و بحرین و سایر بنادر عربستان به طرف مشرق آمد و رفت می‌کردند و همچنین در سر راه کشتی‌های بادی خود اتباع ایران که به مشرق و غرب و شمال و جنوب مسافرت می‌نمودند باعث رونق تجارت این جزیره شد (روزنامه خاور، سال پنجم، شماره ۴، ۳ شهریور ۱۳۲۸ ش، ص ۱). مرواریدی که از مغاص‌های این

۱- برای آگاهی بیشتر از پوشش گیاهی کیش بنگرید به کتاب جزیره کیش و دریای پارس نوشته ایرج افشار سیستانی، تهران: انتشارات جهان معاصر، ۱۳۷۰، صص ۸۷-۹۹.

جزیره صید می‌شد امتیازات طلایی و منحصر به فردی را به این جزیره می‌داد. در درازای تاریخ، جزیره کیش از نظر صید و تجارت مروارید شهرت بسیاری داشته است. مسعودی نویسنده قرن چهارم هجری در کتاب خود می‌نویسد: «غوص و استخراج مروارید به دریای پارس می‌کنند ... که در خارک، کیش، قطر، عمان، سرنندیب<sup>۱</sup>، و دیگر نقاط این دریا به دست آید» (مسعودی، ۱۳۷۰: ۱۴۶). صید و تجارت مروارید تا سال ۱۳۰۴ شمسی نیز به قوت خود باقی مانده بود (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۰۴: ۷۵۴-۷۵۵). تجارت مروارید در این جزیره بسیار پرسود و دائمی بود. کاروان سرا و بازار مفصلی داشت که تجار هندو که واسطه تجارت مروارید بین کیش و هندوستان بودند در بازار کیش به حدی زیاد بودند که راسته مخصوص به خود را داشتند. کاروان‌سراهای متعددی که در قصبه ماشه، مرکز جزیره وجود داشت پذیرای مسافران کشتی‌های تجاری بود که در خطوط منظم تجاری بین کیش تا هندوستان در رفت و آمد بودند. این خطوط منظم کشتی‌رانی مابین عراق، بحرین، قطر، هندوستان، یمن و آفریقا در جریان بودند. این جزیره در تابستان پذیرای عده‌ای از تجار مروارید از بحرین، قطر، عمان و کویت می‌شد و در این فصل یکی از مراکز اصلی تجارت مروارید بود.

خلاصه آن که تجارت مروارید برای جزیره کیش فرصت‌های زیادی ایجاد کرد. اشتغال، تجارت و امنیت در این جزیره ثروت و تمول خوبی را برای این جزیره به ارمغان آورد. عواملی که جمعیت زیادی را به جزیره کیش کشاند جمعیت این جزیره در سال ۱۲۷۸ شمسی به ۱۵ هزار نفر رسید. جزیره کیش بین دو بندر معمور بوشهر و لنگه قرار داشته و پس کرانه وسیعی را که شامل لار، خنج، فیروزآباد و شیراز می‌شده است در بر می‌گرفته است. مبادله تجاری با این مراکز یکی دیگر از عوامل اصلی رونق تجارت در آن بوده است.

#### ج) سیستم اداری بومی و آزادی عمل ساکنین

این جزیره تحت مدیریت افراد محلی و بومی قرار داشت. آشنایی این مدیران محلی به فرهنگ، آداب و رسوم، خلق و خو و نوع معیشت جزیره کیش امتیازی بزرگ برای این جزیره بود. آنان می‌دانستند که رونق زندگی ساکنین و همچنین خودشان به رونق تجارت این جزیره وابسته است؛ بنابراین همه سعی و تلاششان در جهت گسترش و بهبود وضعیت تجاری جزیره کیش متمرکز شد. آزادی عمل تجاری ساکنین، عبور و مرور آزاد ساکنین این جزیره در دو ساحل خلیج فارس و





## تحولات جمعیتی کیش و چیستی و چرایی آن

تساهل مذهبی جهت پیشبرد و جذب تجار غیر مسلمان از جمله هندو توانست باعث رونق تجاری این جزیره گردد. رونق تجاری‌ای که سرانجام جمعیت زیادی را به خود جذب کرد. در حوزه حکومتی، آزادی عمل و استقلال مدیران بومی این جزیره از پایتخت در تصمیم‌گیری، باعث می‌شد رتق و فتق امور سریع، مناسب و هماهنگ با نیازهای جزیره کیش صورت گیرد. این شیوه مدیریت موجب می‌شد که مدیران محلی متناسب به نیاز ساکنین جزیره به وضع قوانین بپردازند. به تشخیص این مدیران محلی تعرفه‌های گمرگی که سخت می‌توانست بر تجارت جزیره کیش آسیب زند، وضع نشد.

### ۲. افول جزیره کیش

گزارش فرامرزی مبنی بر این است که جمعیت کیش در سال ۱۳۱۱ شمسی به حدود ۲۰۰ نفر رسید. جابه‌جایی جمعیت همچنان ادامه یافت. دامنه مهاجرت چنان بالا گرفت که مقامات دولتی را به تکاپو انداخت چنان که در سال ۱۳۲۶ شمسی وزیر دارائی به وزیر کشور نوشت: «جزیره کیش رو به ویرانی و جمعیت آن جا به بحرین و دوبی مهاجرت کرده و می‌کنند ... سزاوار است به مأمورین مسئول محل دستور فرمائید ... راه چاره بیندیشند و پیشنهاد کنند» (سازمان اسناد ملی ایران، نامه شماره ۱/۶۷۳۹ مورخ ۱۳۲۶/۲/۱۰). در سال ۱۳۲۸ شمسی احمد فرامرزی جمعیت کیش را در حدود ۲۰۰۰ نفر ضبط کرده است. یعنی، ظرف مدت ۵۰ سال حدود ۱۳۰۰۰ نفر از جمعیت آن کاسته شده است. چه مصیبتی بر این جزیره وارد آمد که باید این چنین جمعیت آن جزیره را رها کنند؟ در ادامه دلایل این کاهش قابل توجه جمعیتی آورده می‌شود و به این سؤال هم پاسخ داده می‌شود که جمعیت آن چه شدند. نگارنده با بررسی منابع این محدوده زمانی که اطلاعاتی در بردارند سعی کرده است که این عوامل را شناسایی کرده و آن‌ها را تجزیه و تحلیل کند. سقوط این جزیره همانند دیگر بنادر و جزایر خلیج فارس امری ناگهانی و دفعی نبوده (وثوقی، ۱۳۸۹: ۳۶۰) بلکه در طی یک زمان ۵۰ ساله و به تدریج صورت پذیرفته است. دلایل زیر عوامل و علل رکود جزیره کیش را توجیه می‌کنند:

### الف) تعرفه‌های جدید گمرکی سال ۱۳۱۷ق/ ۱۹۳۸م

این تعرفه‌ها که توسط مستشاران بلژیکی بسته شد، به سبب عدم اطلاع این مستشاران و اولیای دولت بر زندگانی اجتماعی و تجاری بنادر خلیج فارس، بسیار ناکارآمد بودند که به زیان بنادر ایران و نفع بنادر جنوبی خلیج فارس تمام شد (روزنامه خاور، سال پنجم، شماره ۴، ۳ شهریور ۱۳۲۸ ش، ص ۱، همچنین بنگرید به: فرامرزی، احمد، ۱۳۷۹: ۶۳۴-۶۳۳). این دو تعرفه عبارت بودند از:

(۱) «گمرک خیلی سنگین بر چوب و تخته و نخ و طناب که مواد اولیه برای کارگاه‌های کشتی-سازی در سواحل ایران بود». این تعرفه‌های سنگین باعث گردید که دیگر در بنادر ایران ساختن کشتی مقرون به صرفه نباشد چون در بنادر عربستان از این مواد اولیه، یا هیچ گمرکی ن می‌گرفتند مثل دبی و یا اگر هم می‌گرفتند خیلی کم و ناقابل بود. این مسئله، راه زندگی را بر صنعتگران در این سمت ساحل ساحل ایرانی خلیج فارس مسدود کرد و آن‌ها به ساحل جنوبی خلیج فارس که بازار آن‌ها مشتری داشت منتقل گشتند (روزنامه خاور، سال پنجم، شماره چهار، ص ۳). با این حساب این تعرفه نامناسب، مستقیماً بر صنعت راجع سواحل ایران تأثیر منفی گذاشت. مهاجرت طبقه صنعتگر سواحل ایران- که به دیگر معنی مهاجرت نیروی انسانی ماهر و ناقل ثروت بود- به آن سوی خلیج فارس، لطمه‌ای سخت بر حیات اقتصادی سواحل ایران و جزیره کیش وارد آورد که صدمات آن جبران‌ناپذیر بود.

(۲) بسته‌شدن تعرفه و مالیات ۲۵ درصدی بر مروراید یکی دیگر از تعرفه‌های جدید گمرکی این سال بود. این تعرفه جدید هم، حاصل ناآگاهی مستشاران بلژیکی گمرک بود. این تعرفه از اساس بی‌پایه بود و اشتباه بسته شد چرا که مروراید از آب‌های خلیج فارس که جزء آب‌های داخلی بود، صید می‌شد. به عبارت دیگر مروراید کالایی داخلی محسوب می‌شد که نباید گمرک بدان تعلق گیرد. این اقدام باعث شد که دیگر غواص‌ها و طواش‌ها (تاجران مروراید) مانند سابق به جزیره کیش توجه نداشته باشند و بحرین را جای گزینه برای آن قرار دهند. تجار و غواص‌های جزیره کیش و دیگر سواحل ایران نیز چون دیدند شغل و حرفه آنان به آن طرف منتقل شده است، بدان جهت که دیگر زحمت آمد و رفت را به خود ندهند به کلی به آن سمت خلیج فارس مهاجرت کردند (همان: ۳). این مهاجرت در حقیقت، جابه‌جایی سرمایه از ساحل شمالی به ساحل جنوبی خلیج فارس بود. با این وجود، صید و تجارت مروراید همچنان در جزیره کیش تا سال ۱۳۰۴ شمسی یکی از عوامل اصلی رونق تجاری این جزیره بود. سدیدالسلطنه کبابی، نویسنده شناخته شده در حوزه خلیج فارس که در ۱۳۰۴ شمسی رئیس وقت اداره فلاح و تجارت و فواید عامه بندرعباس و بندرلنگه بود، نوشته است، مرورایدی که اطراف جزیره کیش استخراج می‌شود از سایر نقاط ایران بیشتر است (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۰۴: ۷۵۴-۷۵۵). ایشان در ادامه در مورد اهمیت صید مروراید و درآمدزایی آن برای ساکنین جزیره می‌نویسد: «تقریباً خود اهالی شصت فروند سفاین کبیره و یکصد و پنجاه سفاین صغیره دارند که بیشتر آن‌ها در اطراف خود جزیره غوص می‌نمایند و عایدات خلوت [خالص] آن جا سالیانه تقریباً متجاوز از سی هزار روپیه انگلیسی می‌شود» (همان).



## تحولات جمعیتی کیش و چیستی و چرایی آن

صید و تجارت مروارید تا سال‌های آغازین سده چهاردهم شمسی پرونق بود. از آن پس ژاپنی‌ها با مرواریدهای پرورشی خود بازارهای جهانی مروارید را در دست خود گرفتند و بازار مروارید خلیج فارس به شدت تضعیف شد (سازمان اسناد ملی ایران، نامه شماره ۸۰۴، مورخ ۱۳۲۶/۴/۱ و همچنین بنگرید به مختار پور، ۱۳۸۷: ۱۷۰-۱۷۱). این امر سبب شد تا صید و تجارت مروارید در جزیره کیش از فعالیتی اصلی به فعالیتی جانبی تبدیل شود. این امر به نوبه خویش در نوسانات جمعیتی جزیره کیش نقشی اساسی ایفا کرد.

**ب) گسترش ناامنی در پس کرانه‌های بندر لنگه از دوره مشروطیت و سال‌های پس از آن**  
یکی دیگر از عوامل افول و رکود جزیره کیش را می‌توان در گسترش ناامنی و اغتشاش در پس کرانه‌های آن بین سال‌های ۱۲۸۵ شمسی تا ۱۳۰۲ هجری شمسی دانست. ناامنی در صفحات جنوبی ایران از بندرعباس تا بندر بوشهر در دوره مشروطیت و حوادث پس از آن (وثوقی، ۱۳۸۳: ۴۸۰ و همچنین بنی عباسیان بستکی، ۱۳۳۹: ۳۱۲-۳۲۵)، بر روابط تجاری جزیره کیش با پس کرانه‌هایش تأثیر سوء برجا گذاشت. وابستگی تجاری جزیره کیش به مسیرهای تجاری پس کرانه‌ای‌اش در پیشرفت تجارت آن غیرقابل انکار است و ناامنی این مسیرهای تجاری بر حیاط اقتصادی و تجاری جزیره کیش ضربه سختی وارد آورد و کاهش جمعیت یکی از معلول‌های این علت قدرتمند بود.

### ج) قانون انحصار تجارت و دخالت دولت

دولت ایران، در نهم خردادماه سال ۱۳۰۴ خورشیدی / ۱۹۲۵ میلادی، «قانون انحصار تجارت» را به تصویب رسانید که بر اساس آن، اجازه تجارت انحصاری چای و قند و هر چه از قند و شکر به دست می‌آید به دولت واگذار شده و جهت صدور مجوز تجارت قند و چای از هر من قند، دو قران و از چای، شش قران به‌عنوان حق انحصاری دولت اخذ می‌شد و این مالیات علاوه بر حقوق گمرکی بود (هدایت، ۱۳۶۱: ۴۷۴). به دنبال آن در سال ۱۳۰۷ خورشیدی قانون انحصار تجارت تریاک نیز به تصویب رسید که حق تجارت تریاک را منحصر به دولت می‌نمود و نهایتاً در سال ۱۳۰۹ خورشیدی، بر اساس تصویب متمم قانون انحصار، تجارت خارجی ایران به‌طور کامل در اختیار دولت قرار گرفت. در ماده واحده آن آمده است: «از تاریخ تصویب این قانون، تجارت خارجی ایران در انحصار دولت بوده و حق وارد کردن و صادر کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین میزان واردات و صادرات مزبور به دولت واگذار می‌شود و دولت می‌تواند تا تصویب متمم این قانون از ورود مال‌التجاره خارجی به خاک ایران جلوگیری نماید» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۰۹، سال پنجم، شماره ۱۲۶۷).

این قانون بدون آگاهی از سواحل خلیج فارس و بنادر ایران بسته شد. تصویب این قانون ناهماهنگ با جریان تجاری و اجتماعی بنادر و سواحل ایران و اجرای بدتر آن توسط مأمورین دولتی جاه‌طلب، سخت‌ترین ضربه را به اقتصاد و تجارت بنادر و سواحل ایران وارد آورد. فرامرزی می‌نویسد: «این قانون، کسب آزاد را در جلو مردم بست و همه کارها را در تهران تمرکز داد و روی این اصل، اهالی بنادر و شهرهای دوردست بهره‌ای از سهمیه تجارتهی و ارزش نمی‌بردند و سهمیه اجناس مرغوب، تمام نصیب تجار بند و بست کن تهران گردید و لذا تجار بنادر مجبور بودند که برای گرفتن ارزش و سهمیه، در تهران سرگردان بمانند. چون روزانه از اهمیت تجارت و کار در بنادر کاسته شد و همه کارها در تهران تمرکز یافت» (روزنامه خاور، سال پنجم، شماره ۵، ۴ شهریور ۱۳۲۸ ش، ص ۱). فرامرزی در جایی دیگر از صفحات خاور سخت به این قانون تاخته است که دولت نباید تجارت کند و باید تجارت و تولید را به مردم واگذار سازد و از آن‌ها حمایت کند و فقط راهنمایی‌های لازم را بنماید (روزنامه خاور، شماره ۵۱، ۲۹ مهرماه، ۱۳۲۸ ش: ۴).

قانون انحصار تجارت همان گونه که پیش از این گفته شد امور تجاری بنادر و جزایر جنوب از جمله کیش را در تهران متمرکز کرد و استقلال رأی را از حاکمان بومی و مدیریت محلی بنادر و جزیره کیش سلب کرد. این امر باعث بسته‌شدن راه تجارت آزاد در کیش و سرگردانی ساکنین این جزیره گردید. مراودات تجاری و فرهنگی ساکنین جزیره کیش با سواحل جنوبی خلیج فارس و آگاهی آنان از تساهل تجارت در سواحل جنوبی، جمعیت کیش را به ساحل جنوبی متمایل کرد.

#### د) لجام گسیختگی و تعدی مأمورین دولتی بر مردم بنادر جنوب

عملکرد ظالمانه مأمورین دولتی در سواحل، عامل مهمی برای مهاجرت مردم بنادر و جزایر ایران از جمله کیش به ساحل جنوبی خلیج فارس بود. نمونه‌هایی زیر مواردی است چند از ظلم مأمورین دولتی به مردم بنادر و جزایر که به مهاجرت این مردم مظلوم انجامید: (الف) مردم بندر کلات - بندری که روبروی جزیره کیش است - که از بنادر درجه دوم بود بر اثر اخاذی یک مأمور آمار به عمان مهاجرت کردند و در خور فکان یا خَصَب - واقع در عمان - ساکن شدند؛ (ب) مردم بندر مغویه - از بنادر حومه شهرستان لنگه استان هرمزگان - در نتیجه تهدید مأمور آماری، با زن و اطفال خود در قایق‌های کوچکی نشستند و به عمان گریختند و چند قایق آن‌ها در بین راه غرق شد؛ (ج) شیخ بندر چيرو - بندری از دهستان عبیدلی بخش لنگه در استان هرمزگان - و عده دیگری از این بندر هم مدتی مهاجرت کردند و (د) بسیاری از مردم بنادر شیپکوه در نتیجه مقررات سخت و ظلم و تعدی مأمورین، به قطر و کویت و احیاناً بحرین مهاجرت کردند و «دیگر اصلاً خیال بازگشت هم ندارند چرا که در آن جاها کار فراوان است و امنیت برقرار است» (روزنامه خاور، شماره ۵، ۴ شهریورماه ۱۳۲۸ ش: ۳).



## تحولات جمعیتی کیش و چیستی و جرایبی آن

فرامرزی در ۱۳۲۸ شمسی شرحی اسفناک از جاه طلبی مأموران دولتی که به چشم دیده است ارائه می‌نماید: «در مسافرت اخیری که به بنادر کردم در جزیره قشم یک نفر یک گونی جو و یک گونی گندم از مرکز جزیره می‌خرد که با شتر برای عیال خود به قریه مسکن خود ببرد. بین راه مأمورین او را می‌گیرند که قاچاق همراه داری. ۶۴ ساعت در گمرک ناحیه او را توقیف می‌نمایند. وقتی که آزاد می‌شود به تفتیش می‌گویند من دیگر در این جا نمی‌مانم، دست عیال و خانواده‌ام را می‌گیرم و به دنبال هزارها از هم محلی‌ها و برادران خود می‌روم که قبل از این به عربستان رفتند ... اگر یک نفر از اهالی بنادر محصولی را بخواهد از سر خرمن به منزل ببرد، جلو صاحب محصول را می‌گیرند که شما قاچاق دریا دارید ...» (همان)

موارد فوق‌الذکر در مورد جزیره کیش نیز صدق می‌کند. چرا که این‌ها تنها نمونه‌ای از لجام گسیختگی مأمورین دولتی است که بر تمام سواحل ایران حکم‌فرما بود. به سبب ظلم و ستم محمدرضا خان بستکی مالک جزیره کیش ۱ بسیاری از اهالی این جزیره به سواحل عربستان (فرامرزی، ۱۳۷۹: ۶۷۷) و بسیاری نیز به کویت، شبه جزیره قطر، جزایر بحرین و دیگر شیخ نشین‌های خلیج فارس مهاجرت کردند. در نتیجه جمعیت کویت در ظرف ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۸ شمسی از ۳۰ هزار به ۱۵۰ هزار نفر رسید (روزنامه خاور، سال پنجم، شماره ۵، سال ۱۳۲۸ ش. ص ۳). مأموران دولتی که برای امنیت و اداره بهتر بنادر گماشته شده بودند، خود از عوامل ناامنی و اغتشاش اداری بودند. این مأمورین، سمت خود را «وسيله‌ای برای کسب ثروت و کاسبی می‌دانستند (همان) و برای رسیدن به مقصود از هیچ چیز فروگذار نبودند، رشوه (همان، ص ۱۷۰)، «فساد مالی» (همان، شماره چهارم، آذر ۱۳۰۶ ش، ص ۲۴۵). «فساد اخلاقی» (همان، ۲۴۶) (اتهام، ضرب و شتم، جعل سند)، تعدی در حق مردم (همان، شماره سوم، آبان ۱۳۰۶ ش، ص ۱۷۸)، وظیفه ناشناسی و کتمان قانون برای اغنای شخصی (همان، شماره چهارم، آذر ۱۳۰۶ ش: ۲۴۳)، شراکت در قاچاق کالا (همان، ۲۴۳)، دامن‌زدن به اختلاف محلی جهت امیال شخصی (همان، آبان ۱۳۰۶ ش: ۱۷۵)، شیوه رایج و مرسوم حکام بنادر و مأمورین مالیه و گمرک بود. البته افراد وظیفه‌شناس هم در بین آن‌ها بودند (همان، شماره چهارم، آذر ۱۳۰۶ ش: ۲۴۳). از آن جایی که

۱- محمدرضا خان بنی عباسی، سطوت الممالک سابق ضابط وقت ناحیه بستک و جهانگیریه (تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان بستک، ص ۳۲۸) که از خوانین جابر و متنفذ بود این جزیره را از شیخ بندر چارک که نماینده دولت محسوب می‌شد در ازای مبلغ ۱۷ هزار تومان خریداری کرد (فرامرزی، ۱۳۱۲: ۶۷۷). این نمونه‌ای از تسلط حاکم غیربومی بر کیش بود که به واسطه زد و بند سیاسی از جانب دولت مالک این جزیره گشت.

مأموران واسطه دولت و ساکنین بنادر و جزایر به حساب می‌آمدند، اعمال آن‌ها در نظر مردم، اوامر حکومت تلقی می‌شد و سبب انفصال دولت و ساکنین بنادر بود از این رو مسأله مأمورین درستکار بیش از هر چیزی به بسط نفوذ دولت در سواحل خلیج فارس کمک می‌کرد (همان، شماره هفتم، تیرماه ۱۳۰۷ش: ۴۱۶).

گزارشات فرامرزی منبع موثقی برای اظهار نظر در مورد مأمورین دولتی سواحل و بنادر است: این مأمورین که جهت حفظ امنیت گماشته شده بودند، خود عامل اصلی ناامنی سواحل و بنادر شدند. هدف آن‌ها تنها پرکردن جیبشان بود و نتیجه فقط بدتر شدن اوضاع اجتماعی سواحل بود که مهاجرت ساکنین را در پی داشت. مأموران لجام گسیخته که هیچ دلشان برای ساکنین نمی‌سوخت و پست و منصب خود را دستاویزی برای تمول مالی خود قرار می‌دادند جایگزینی برای حاکمان بومی بودند که مدیریت شایسته محلی را در جهت نفع خود و ساکنین بنادر و جزایر در پیش گرفته بودند. بارزترین نتیجه این جایگزینی بی‌فایده، ظلم بر ساکنین، تخریب فرهنگ عمومی بنادر و در نتیجه مهاجرت اهالی بنادر و جزایر از جمله جزیره کیش بود. قطعاً مدیریت بومی نقش زیادی بر آبادانی جزیره کیش ایفا می‌کرد که با نابودی آن جزیره کیش راه افول تجاری و در نتیجه کاهش جمعیت در پیش گرفت. احمد فرامرزی نیز بر نقش مخرب این جایگزینی اداری صحنه گذاشته است. وی یکی از عوامل موفقیت جزیره بحرین و برتری یافتن آن بر جزایر کیش و قشم و بندرلنگه را عدالت و زحمات شیخ آن جا می‌داند (فرامرزی، ۱۳۷۹: ۶۷۸). عاملی که از جزایر کیش، قشم و بندرلنگه به واسطه فعالیت‌های مخرب مأمورین دولتی گرفته شده بود.

شیوع پدیده قاچاق در خلیج فارس در دوره پهلوی نیز به میزان قابل توجهی به عملکرد غیر مشروع این مأمورین ارتباط داشت. فرامرزی راست می‌گوید که: «اگر مأمورین دولت نخواهند قاچاق شود، محال است که یک عدد قاچاق وارد مملکت گردد» (روزنامه خاور، شماره سوم، اول شهریور ۱۳۲۸ ش: ۳).

#### ۵) سربازگیری

سربازگیری و رفتارهای سختگیرانه مربوط به آن عامل مؤثری در مهاجرت سکنه سواحل و بنادر ایران از جمله جزیره کیش بود: مردم جزائر و سواحل خلیج فارس بیش از هر چیز از مسئله سربازگیری وحشت داشتند زیرا به واسطه نزدیکی به سواحل عربستان و معاشرت با عرب‌های آن حدود، عادت به زندگانی خیلی آزاد و بی‌قید و شرط داشته‌اند لذا بعضی از قوانین دولتی از جمله سربازگیری نوعی محدودیت برای آزادی‌شان جلوه می‌کرد و فشار روانی زیادی از ناحیه دولت احساس می‌کردند (روزنامه خاور، شماره پنجم، ۳ شهریور ۱۳۲۸ش: ۳). این فاکتور به خصوص در کاهش جمعیت کیش تأثیر شگرفی داشته است. فرامرزی می‌نویسد: «بسیاری از مردم جزیره کیش



## تحولات جمعیتی کیش و چیستی و چرایی آن

به سبب ترس از نظام وظیفه به آن طرف گریختند» (همان: ۳). مسئله مهاجرت مردم جزیره کیش در اثر تصویب این قانون به حدی قابل توجه بوده است که در نظر احمد فرامرزی یک معضل اصلی برای کاهش جمعیت کیش جلوه می‌کند و در ادامه بحث در مورد سربازگیری به ارائه راه حل مبنی بر معافیت مردم جزیره کیش از خدمت سربازی ولو به مدت محدود و معینی می‌نماید (روزنامه خاور، شماره سوم، اول شهریور ۱۳۲۸: ۳، سال پنجم).

### و) کشف حجاب

در پی تصمیم حکومت پهلوی اول در سال ۱۳۱۴ شمسی مبنی بر کشف حجاب و اجبار و فشار حکومت برای عملی کردن آن بسیاری از ساکنان جزایر و بنادر خلیج فارس که این روند را مخالف با سنت‌های دیرینه مذهبی خود می‌دیدند چاره را فقط مهاجرت به ساحل جنوبی خلیج فارس تشخیص دادند. جابه‌جایی بزرگ جمعیت از ساحل شمالی به ساحل جنوبی خلیج فارس در این ماجرا به اوج خود رسید (روزنامه خاور، سال ۱۳۲۸، شماره سوم: ۳ و وثوقی، ۱۳۸۴: ۴۸۶) و آثار مخربی بر جمعیت و اقتصاد سواحل ایران از جمله جزیره کیش وارد ساخت.

### ح) شیوع پدیده قاچاق

قاچاق کالا از پدیده‌هایی بود که در دوره پهلوی در خلیج فارس شیوع یافت و تا زمان حاضر به قوت خود باقی است. عوارض گمرکی بالا و وضع مقررات نامناسب و خشن در سواحل از سال ۱۳۱۷ قمری، تعدی و اشکال‌تراشی مأمورین برای اخاذی، قانون انحصار تجارت و مرگ تجارت آزاد (خاور، شماره ۱۳، ۱۲ شهریور ۱۳۲۸ شمسی: ۴) شیوع پدیده قاچاق را در خلیج فارس سبب شد و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی وخیمی بر سواحل خلیج فارس بر جای گذاشت. آنچه مسلم است، سبب آبادانی و رونق سابق بنادر و ساحل شمالی خلیج فارس و از جمله جزیره کیش تجارت بود. تجارت کیش قسمت عمران آبادانی خود را مدیون تجارت و و فعالیت‌های مرتبط با آن بود. به عبارتی دیگر منبع درآمد و شغل اکثر ساکنین جزیره کیش تجارت و امور در رابطه با تجارت- چون قایقرانی، کشتیرانی، کارگری، مهمان‌داری و ...- بود. از جمعیت ۱۵ هزار نفری جزیره کیش، قسمت متنابهی از آن‌ها قایقران، کشتیران، کارگران تخلیه بار از کشتی‌ها، مهمان‌دار کاروانسراها و تجار واسطه تجارت مروارید و سایر اقلام با هندوستان و شرق آفریقا بودند. شیوع پدیده قاچاق باعث شد تجارت فعال و گسترده جزیره کیش به نابودی کشیده شود و به تدریج جمعیت آن به مناطق دیگری از خلیج فارس، به‌ویژه دبی، کویت، شیخ نشین‌های امارت متحده، به دنبال کار و کسب خود روی آوردند و بدین شکل جمعیت زیادی از کیش مهاجرت کردند و تنها در حدود ۲۰۰ نفر در سال ۱۳۱۱ شمسی در آن جزیره باقی ماندند.

### نتیجه‌گیری

جمعیت کیش در سال ۱۲۷۸ شمسی ۱۵ هزار نفر، در سال ۱۳۱۱ شمسی حدود ۲۰۰ نفر و در سال ۱۳۲۸ شمسی حدود ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر گزارش شده است. از جمعیت کیش در حدود ۱۳۰۰۰ نفر کاهش یافته است. سبب این کاهش قابل توجه جمعیت چه بود؟ در این دوران، عوامل قدرتمندی دست به دست هم دادند و حیات اجتماعی و اقتصادی سواحل و جزایر شمالی خلیج فارس را به شدت تهدید کردند. عواملی نظیر، تعرفه‌های گمرکی نامناسب، مقررات سخت و خشن، انحصار تجارت برای دولت و مرگ تجارت آزاد در سواحل، سربازگیری، کشف حجاب، تعدی و اخاذی مأمورین دولتی جاه طلب، از بین رفتن مدیریت بومی و در نهایت شیوع قاچاق. این در صورتی بود که در ساحل مقابل - ساحل جنوبی خلیج فارس - از عواملی که نام برده شد خبری نبود. سرانجام - البته به تدریج - جاذبه ساحل جنوبی و دافعه ساحل شمالی، مهاجرت جمعیت و سرمایه را، از شمال به جنوب، در پی داشت. مشترکات فرهنگی دو ساحل چون زبان و مذهب مشترک هم بر شدت آن افزود. بدینسان آبادانی از ساحل شمالی رخت بر بست و به ساحل جنوبی رفت.

جزیره کیش که از سواحل ایران مستثنی نبود، موقعیت تجاری خود را از دست داد و ساکنین آن به دبی، شارجه، ابوظبی، کویت، بحرین، قطر و بنادر عربستان مهاجرت کردند. مهاجرت جمعیت، جزیره کیش را از توانایی‌های این سیل عظیم جمعیت محروم ساخت و زیربنای رونق این جزیره که تجارت بود به نابودی کشیده شد.

### رهاورد مقاله

بررسی تحولات جمعیتی کیش در یک دوران زمانی پنجاه‌ساله نشان داد که هر زمان مدیریت بومی و محلی، تساهل مذهبی و آزادی تجارت در جزیره کیش حاکم بوده است این جزیره توانسته است از رونق و شکوفایی خاصی برخوردار باشد. به عبارت دیگر، عدم وجود هر کدام از این موارد، اثر خویش را بر تحولات اقتصادی و جمعیتی کیش نهاد.

مدیریت بومی و سیاست‌گذاری حاکمان محلی در جزیره کیش، کسانی که از جنس مردم بوده‌اند و به آداب و رسوم، فرهنگ و سنن ساکنین کیش آگاه بوده‌اند، این جزیره را برای ساکنین خلیج فارس جذاب می‌کرد. از طرفی سبب می‌شد قوانین اداری به نفع حاکم بومی و ساکنین جزیره کیش باشد. این قوانین بدون شک متناسب با محیط جغرافیایی کیش و هماهنگ با وضعیت تجاری این جزیره وضع می‌شد و رونق تجاری آن را در پی داشت. مدیریت محلی، مدیریتی که سوای از سیاست‌گذاری





## تحولات جمعیتی کیش و چیستی و چرایی آن

پایتخت بر جزیره کیش بود در شناسایی معضل‌های محلی و ارائه راه‌حل‌های اساسی به مراتب با سرعت عمل بیشتری عمل می‌کرد و کارایی آن بالاتر از مدیریت و تصمیم‌گیری پایتخت بود. این یعنی این که، زمانی که امور مربوط به تصمیم‌گیری در پایتخت متمرکز بود، عده‌ای بدون شناخت دقیق جغرافیای منطقه و روحیات مردم به اتخاذ تصمیم و تصویب قانون می‌پرداختند که این هیچ سنخیتی با مسائل و مشکلات مردم جزیره کیش نداشت. علاوه بر این، بروکراسی پیچیده نیز سرعت عمل تصمیم‌گیری را کاهش می‌داد و اختیار عمل حاکم و مردم ساکن در جزیره را سلب می‌کرد. در تصمیم‌گیری‌های کلان در سواحل و بنادر خلیج فارس باید از نظرات و پیشنهادات کارشناسان بومی این نواحی استفاده کرد.

با نگاهی به تحولات جمعیتی جزیره کیش نقش تساهل مذهبی و احترام به تفاوت‌ها در رونق و افول آن مشخص می‌شود. به عبارت دیگر، تساهل مذهبی یکی از عوامل جذب تجار هندو و غیرمسلمان دیگر به این جزیره و رونق تجاری بیشتر آن بوده است. جزیره کیش نیز به مانند بسیاری از جزایر ایرانی خلیج فارس از ترکیب قومی، مذهبی و زبانی متنوعی برخوردار است؛ عده‌ای از ساکنین جزیره کیش به زبان عربی و یا با زبان فارسی تکلم می‌کنند. علاوه بر این، مذهب قریب به اتفاق ساکنین جزیره کیش سنی است (مختارپور، ۱۳۸۷: ۴۷۵). این روند در بیشتر ساحل ایرانی خلیج فارس حاکم است بنابراین در تصمیم‌گیری‌های کلان باید تنوع زبانی و مذهبی ساکنان سواحل و جزایر خلیج فارس را مد نظر قرار داد و به این تفاوت‌ها احترام گذاشت.

آزادی تجارت در کیش نیز پیوند مستقیمی با دیگر عوامل از جمله تصویب قوانین و اعمال گمرکات دارد. در دوره پهلوی آن گاه که قانون انحصار تجارت و عوارض گمرکی سنگین بر واردات بسته شد از آن جایی که این گمرکات بدون در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی و نوع معیشت مردم منطقه اعمال شده بود باعث شد که آزادی تجارت در منطقه خلیج فارس از بین برد و پدیده قاچاق شیوع یابد. این مسئله (قانون‌گذاری) برای همیشه در مورد جزایر و بنادر ایران صدق می‌کند؛ بنابراین قانون‌گذاری دولت مرکزی باید هماهنگ و متناسب با شرایط جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی سکنه خلیج فارس و بنادر و جزایر باشد.

و در نهایت این که، در گذشته یکی از عوامل رونق تجارت جزیره کیش و جذب جمعیت به این جزیره صید و تجارت مروارید بوده است. فرآیندی که هم اکنون خبری از آن نیست. احیای این فرآیند پرسود در این جزیره قطعاً خواهد توانست منبع درآمدی دیگری برای این مرز و بوم ایجاد

مجموعه مقالات سیزدهمین همایش ملی علمی - فرهنگی خلیج فارس

---

کند. همچنین شناسایی سایر استعدادهای جزایر خلیج فارس از جمله توسعه گردشگری، صنایع دستی ۱ و ... خواهد توانست گریزی برای اقتصاد تک‌محصولی وابسته به سوخت‌های فسیلی باشد.

ISTTA.IR

---

۱- برای آگاهی از استعدادهای صنایع دستی جزیره کیش بنگرید به کتاب کتاب جزیره کیش و دریای پارس نوشته ایرج افشار سیستانی، تهران: انتشارات جهان معاصر، ۱۳۷۰، ص ۳۴۹.



## تحولات جمعیتی کیش و چيستی و جرایبی آن

### منابع

#### اسناد

- آرشیو سازمان اسناد ملی ایران: نامه محرمانه شماره ۱/۶۷۳۹ به مورخ ۱۳۲۶/۲/۱۰، وزارت دارایی به وزارت کشور
- سازمان اسناد ملی ایران: نامه شماره ۸۰۴ مورخ ۱۳۲۶/۴/۱، استانداری هفتم به وزارت کشور.

#### کتاب

- افشارسیستانی، ایرج (۱۳۷۰ ش)، جزیره کیش و دریای پارس، تهران، انتشارات جهان معاصر.
- رزم آرا، علی (۱۳۳۰ ش)، جغرافیای نظامی ایران، جزایر ایران در خلیج فارس.
- رکنزاده آدمیت، محمدحسین (۱۳۴۰ ش)، دانشمندان و سخن سرایان فارس. جلد ۴. تهران، اسلامیه و خیام.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۹۰ ش)، کلیات سعدی. نسخه تصحیح شده محمد علی فروغی، چاپ دوم، تهران، انتشارات طلایی.
- شیرازی، فضل الله عبدالله (۱۳۳۸ قمری)، تاریخ و صاف. تهران، کتابخانه ابن سینا.
- عباسی، مصطفی (۱۳۷۲ ش)، بستک و جهانگیریه. تصحیح احمد اقتداری. تهران، شرکت انتشارات جهان معاصر.
- فرامرزی، عبدالرحمن (۱۳۷۸ ش)، خطرات استاد عبدالرحمن فرامرزی. به کوشش حسن فرامرزی. تهران، دستان.
- محمد اعظم، بنی عباسیان بستکی (۱۳۳۹ ش)، تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان بستک. به کوشش عباس انجم روز. [بی. جا].
- مختارپور، رجبعلی (۱۳۸۷ ش)، دو سال با بومیان جزیره کیش. تهران، ورجاوند.
- مسعودی، ابوالحسن (۱۳۷۰ ش)، مروج الذهب و معادن الجواهر، جلد یک، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۳ ش)، سید عبدالحسین لاری و جنبش مشروطه خواهی. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۴ ش)، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، تهران، سمت.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۹ ش)، علل و عوامل جابه‌جایی کانون‌های تجاری در خلیج فارس. تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- هدایت، مهدی قلی خان (۱۳۶۱ ش)، خاطرات و خاطرات. تهران، کتابفروشی زوآر.

#### روزنامه

- روزنامه اطلاعات، سال پنجم، شماره ۱۲۶۷، نهم اسفند ۱۳۰۹ ش.
- روزنامه خاور، سال پنجم، شماره ۴، ۳ شهریور ۱۳۲۸ ش.
- روزنامه خاور، شماره ۵، ۴ شهریورماه ۱۳۲۸ ش.
- روزنامه خاور، سال پنجم، شماره سوم، اول شهریورماه، ۱۳۲۸ ش.
- روزنامه خاور، شماره سوم، اول شهریور ۱۳۲۸ ش.

#### دست نوشته

## مجموعه مقالات سیزدهمین همایش ملی علمی - فرهنگی خلیج فارس

---

- عبدالرحمن احمد ابوطالب ملا (۱۳۷۵ ش)، تاریخ فرامرزان. دست نوشته.

### مقاله

- سدید السلطنه کبابی، محمدعلی (۱۳۰۴ ش)، شرح حال غوص و غواصی در خلیج فارس. ماهنامه ایرانشهر، سال سوم، شماره ۱۲، آبان ماه. صفحات مسلسل ۷۵۴ و ۷۵۵.
- فرامرزی، احمد (۱۳۰۶ ش)، «بنادر جنوب» مجله تقدم، تهران، شماره چهارم، آذر.
- فرامرزی، احمد (۱۳۰۷ ش)، «بنادر جنوب» مجله تقدم، تهران، شماره هفتم، تیرماه.
- فرامرزی، احمد (۱۳۷۹ ش)، «بنادر و جزایر خلیج فارس». پژوهش‌های ایران‌شناسی. تهران، انتشارات بنیاد موقوفات افشار، جلد ۱۲، ص ۶۳۳-۶۳۴.

### سی دی

لوح مشروح مذاکرات مجلس ۱۳۸۹، نسخه دوم، دوره شانزدهم، سال ۱۳۲۸ ش، جلسه ۱۰۷.